

## نقش آق قویونلوها در نبرد یلدرم بایزید با تیمور در آنکارا ( 804/1402 )

*Yıldırım Bayezid ile Timur'un Ankara'daki Savaşında Akkoyunlular'ın Rolü*  
(804/1402)

*The Role of Aqqoyunlus in the Battle of Ankara (804/1402) Between Timur and Bayezid*

**Akbar SABOURI\***

### چکیده

منطقه آناتولی در آستانه حمله تیمور دچار مجادلات و قطب بندیهای متعدد و شکننده بین مدعیان قدرت شده بود، که این امر زمینه را برای مداخلات خارجی در آن منطقه فراهم نمود. در این بین آق قویونلوها که در آرزوی حکومت بر دیاربکر و اطراف آن بودند، به ریاست قرايولوک عثمان، نقش مهم و قابل توجهی را در تحریک و تشویق تیمور در حمله به آناتولی و منهزم ساختن یلدرم بایزید در نبرد آنکارا (1402) ایفا نمودند. این مقاله پژوهشی است درباره نقش و عملکرد طوایف آق قویونلوها در نبرد آنکارا (1402): مسأله نخست این است که دلایل واگرایی آق قویونلوها از بایزید و گرایش آنان به تیمور چه بود، دیگر اینکه آق قویونلوها چه نقشی در پیروزیهای تیمور در منطقه آناتولی به ویژه در نبرد آنکارا (1402) ایفا کردند و نیز دستاوردهای این نبرد برای آنان چه بود؟ با بررسی انجام شده مشخص می شود آق قویونلوها که برای کسب قدرت، زمانی به خدمت امیران محلی ارزنجان، سیواس و حتی پادشاهان مملوک مصر درآمده بودند، پس از مشاهده لشکرکشی و تصرف قلمرو امیرنشینهای آناتولی از سوی بایزید و حمایت او از دشمن دیرینه آنان قراقویونلوها، مجبور شدند هم برای حفظ و توسعه قلمرو خویش و هم جهت ضربه زدن به بایزید، با همراه کردن نیروهای همگرای محلی با خود، به تیمور متوسل شوند. آنان در گام نخست با از میان برداشتن قاضی برهان الدین حاکم سیواس هم تیمور را از شریکی از دشمنان سرسختش در آناتولی آسوده کردند و هم باعث ایجاد افتراق در بین اعضاء اتحاد چهارگانه شدند و در ادامه تیمور را در حمله به مناطق سیواس، البستان، ملاطیه و شام، همراهی نمودند. آق قویونلوها در نبرد سرنوشت ساز آنکارا (1402) نیز در جناح چپ لشکر تیمور قرار گرفتند و با مغلوب ساختن سلیمان چلبی فرزند بایزید، که رهبری جناح راست لشکر عثمانی را به عهده داشت، نقش مهمی را در پیروزی تیمور در این نبرد ایفا کردند. از اینرو، تیمور نیز به هنگام ترک آناتولی، به پاس این خدمات آق قویونلوها، قرايولوک عثمان را به مقام امارت تمام نواحی دیاربکر منسوب کرد. بدین ترتیب

---

\* Dr., Akbar Sabouri, University of Tabriz, History department, akbarsabouri.ir@gmail.com.

آق قویونلوها با اتحاد یک سیاست سنجیده علاوه بر اینکه خود را از عواقب وخیم حملات تیمور حفظ کردند، همچنین با همراه کردن وی در نبرد آنکارا، موفق به تشکیل دولت آق قویونلو شدند.

**کلید واژه:** نبرد آنکارا، تیمور، یلدرم بایزید، آق قویونلوها

### Abstract

Anatolia region in the eve of Timur's invade was in a chaotic condition between those who claim power. This condition provides the grounds for external interventions in this region. Aqqyunlus, under the rule of Qara Usman, desire to rule over Diyarbakır and its surroundings area played an important role in stimulating the invasion of Timur in Anatolia and destroying of Bayazid at the battle of Ankara in 1402. In this article it is attempted to study the role of Aqqyunlus tribes in the battle of Ankara, firstly by explaining the causes of withdrawing of these tribes from Bayazid rule and their tendency toward Timur and finally by highlighting the role of Aqqyunlus, in the Timur's victories and the interest of this tribes at the battle of Ankara. According to the findings of this study Aqqyunlus, who try to gain power through serving for the ruler of Erzincan, Sivas and even the kings of Egypt in the previous years, with observing of the occupation of Anatolia territory by Bayezid and Aqqyunlus, who were the longtime enemy of Qaraqyunlus, tried to make an alliance with Timur in order to maintain their power and to hit Bayezid, in the first attempt they defeated Qazi Bourhan al-din ruler of Sivas who was one of the major enemies of Timur, and cause dissident among members of quadruple alliance then accompanied Timur in other battles such as the battle of Ankara in 1402. In this battle they played significant role be defeating Süleyman Çelebi the son of Bayazid and the commander of Bayazid's troops. With this strategy Aqqyunlus, could take the rule of Diyarbakır region and established their own government after withdrawing of Timur's troops from Anatolia.

**Keywords:** Battle of Ankara, Timur, Bayezid, Aqqyunlus

### Öz

Timur'un saldırısının eşliğinde bulunan Anadolu bölgesi, güçlenen taraflar arasında kırıcı, birçok kutuplaşmalara ve mücadelelere maruz kalmıştı. Bu durum bölgeyi dış müdahalelere maruz bırakmıştı. Bu taraflar arasında Diyarbakır ve etrafında yönetim iddiasında bulunan Akkoyunlular, Kara Yülük Osman'ın liderliğinde, Timur'un Anadolu'ya saldırısının teşviki ve tahrikinde, Yıldırım Bayezid'in Ankara Savaşı'nda (1402) yenilmesinde hatırı sayılır ve önemli bir ölçüde rol oynamışlardır. Bu makale, Akkoyunlular'ın Ankara Savaşı'ndaki (1402) etkisi ve rolü üzerine bir çalışmadır. İlk konu; Akkoyunlular'ın Bayezid'ten geri çekilme sebepleri ve onların Timur'a yaklaşma nedeni üzerinedir. Diğer bakımdan Akkoyunlular, Anadolu

bölgesinde Timur'un zaferlerinde hangi rolü oynadılar ve özellikle Ankara Savaşı'nda (1402) ne yaptılar, bu savaşın onlara kazandırdıkları neydi? Elde edilen araştırma şunu açıklığa kavuşturmuştur: Akkoyunlular gücü elde etmek için, zamanında Erzincan ve Sivas mahalli emirlerinin ve hatta Mısır Memlûklü padişahlarının hizmetinde bulunmuşlardı. Bayezid ve onun himayesinde olanlar tarafından Anadolu beyliklerinin ele geçirilmesinden sonra, Karakoyunlular ile derin bir düşmanlığa sahip olan Akkoyunlular, Bayezid'e darbe vurmaya ve kendi ülkelerini genişletmek ve korumak için mahalli güçlerle birleşmeye mecbur kaldılar ve Timur'la ilişkiye girdiler. Onlar ilk adımda, çetin düşmanlardan bir ortak olan Sivas hâkimi Kadı Burhaneddin'i, Timur'un Anadolu'daki işini hafifletmek için ortadan kaldırdılar. Ayrıca dörtlü ittifak üyeleri arasında ayrılığın oluşmasına sebep oldular. Timur'un devam eden Sivas, Elbistan, Malatya ve Şam saldırılarında ona eşlik ettiler. Akkoyunlular, tarihi Ankara Savaşı'nda da (1402) Timur'un ordusunun sol tarafında bulundular. Osmanlı ordusunun sağ kolunu oluşturan Bayezid'in oğlu Süleyman Çelebi'yi yenerek, Timur'un zaferinde önemli bir rol oynadılar. Bu yüzden, Timur Anadolu'yu terk ettiğinde, Akkoyunlular'ın bu hizmetine karşılık Kara Yülük Osman'ı Diyarbakır bölgesinin tamamının yönetimine atadı. Bu şekilde Akkoyunlular, ölçülü bir siyaset birliğiyle Timur'un saldırılarının sonuçlarından kendilerini korudular. Ankara Savaşı'nda ona eşlik ederek, Akkoyunlu devletinin kurulmasında başarılı oldular.

**Anahtar Kelimeler:** Ankara Savaşı, Timur, Yıldırım Bayezid, Akkoyunlular.

#### مقدمه:

آق قویونلوها یکی از طوایف ترکمان بودند که در منطقه دیاربکر اسکان یافتند. اما اینکه آنان چه زمانی و از چه طریقی وارد آناتولی شدند به طور قطع مشخص نیست. ولی به احتمال زیاد همگام با قبایل مختلف ترکمان که در پی تهاجم مغولان وارد این منطقه شدند، اینان نیز به همراه قراقویونلوها جزو آخرین قبایل وارد شده به این منطقه بودند.<sup>1</sup> آنان در تمامی هرج و مرج هایی که در قرن پانزده میلادی در خاورمیانه روی داد، یعنی در دوره ملوک الطوایفی، به فعالیت پرداختند.<sup>2</sup> اینها قبایلی بودند که سعی می‌کردند به خدمت امرائی وارد شوند و یا با آنانی پیمان ببندند که به موفقیت‌شان امیدوار باشند. آنان به محض اینکه می‌پنداشتند در جای دیگر امید و موفقیت دارند، بدون تأمل امرا و متحدین خود را ترک می‌کردند. در واقع انگیزه آنها غارتگری، قدرت طلبی و تلاش برای ایجاد حکومت در منطقه بود. از این‌رو ترقی ترکمانان آق قویونلو و

<sup>1</sup> M. Çetin Varlık, "Akkoyunlular", Doğuştan Günümüze Büyük İslam Tarihi, Çağ yayınları, İstanbul, 1992, c. 8, s. 407.

<sup>2</sup> M. Halil Yanıç, "Akkoyunlular", IA, 1987, c. 1, s. 253.

قراقویونلو با جنگ‌های بی‌پایان توأم بود.<sup>3</sup> به‌طوری که وقتی ابن بطوطه از ارزروم دیدن کرد، تخریب و ویرانی این شهر و حوالی آن را در نتیجه منازعه دو قبیله رقیب ترکمان عنوان کرد.<sup>4</sup> اگرچه فاروق سومر با طرح این سؤال که چگونه مغولها اجازه ویرانی این شهر مهم را که بر سر راه داشت به ترکمانها داده‌اند را مورد تردید روا می‌دارد،<sup>5</sup> اما بدون شک منظور همان دو قبیله آق قویونلو و قرا قویونلو است.<sup>6</sup>

آق قویونلوها نه تنها با همسایگان‌شان می‌جنگیدند، بلکه با یکدیگر نیز رقابت و خصومت داشتند. در نتیجه آنان به جنگ‌هایی کشیده شدند که در نهایت سیاست اتحادیه و نیز دشمنی‌ها و حتی سرنوشت‌شان را تعیین کرد. شرایط آنان طوری بود که معمولاً یکی از قدرت‌های بزرگ زمان در حوادث مربوط به آنان شرکت داشتند. این امر در حقیقت وقتی روی می‌داد که جنگ به یکی از امرای جزء مربوط می‌شد. به طوری که خواهیم دید در مورد جنگ آق قویونلوها با فرمانروای سیواس، دولت عثمانی داوطلبانه به کمک او شتافت، چرا که آنان به هر صورت پیشرفت آق قویونلوها را با سوءظن و تشویش تحت نظر داشتند، به خصوص اگر مانند مورد مذکور به منطقه‌ای مربوط می‌شد، که خود آنان در آن ذینفع بودند.<sup>7</sup> با این همه آق قویونلوها از مهاجرت به دیار بکر تا سقوط ایلخانیان موفق به ارائه چهره‌نظامی و پیروزمند نشده و تا آغاز یورش تیمور به ایران توفیقی در تشکیل امیرنشینی کوچک در آناتولی به دست نیاوردند. آنها بیشتر برای حفظ موجودیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود، از حاکمان و فرمانروایان مقتدر غالب اطاعت می‌کردند و به عنوان نیروی جنگی قبیله‌ای به نفع مخدومان و متحدان خود شمشیر می‌زدند.<sup>8</sup> بنابراین یورش تیمور به آناتولی نخستین فرصتی بود که به آق قویونلوها امکان داد تا آگاهانه وارد عرصه سیاست و منازعات موجود شوند. ایشان از آنجا که رقبایشان به مخالفت با تیمور برخاسته بودند، لازم دیدند که به او بپیوندند<sup>9</sup> و او را در جنگ با دشمنان تیمور از جمله یلدرم بایزید همراهی کنند. آق قویونلوها با این کار نه تنها از حملات تیمور مصون ماندند بلکه با ضربه‌ای که از ناحیه تیمور برای رقبای آن وارد شد، موفق شدند قلمرو خود را به ضرر همسایگان خویش توسعه داده و امارت تشکیل دهند.

<sup>3</sup> Hans Robert Roemer, *The Timurid and Safavid periods*, *The Cambridge History of Iran*, vol. 6, 1986, s. 154; M. Halil Yananç, "Akkoyunlular", IA, s. 258.

<sup>4</sup> ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موجد، تهران، انتشارات آگاه، 1373، صص 361-362.

<sup>5</sup> فاروق سومر، قرا قویونلوها، ترجمه دکتر وهاب ولی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1369، ص 51.

<sup>6</sup> Jhon E Woods, *The Aqquyunlu: Clan, Confederation, Empire* (Revised and Expanded Edition), Salt Lake City, The university of Utah Press, 1999, s. 35; M. Halil Yananç, "Akkoyunlular", IA, 1987, c. 1, s. 253.

<sup>7</sup> Roemer, *The Timurid and Safavid periods*, s.156.

<sup>8</sup> اسماعیل حسن زاده، حکومت قراقویونلو و آق قویونلو در ایران، تهران انتشارات سمت، 1379، ص 79.

<sup>9</sup> حسین میرجعفری، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران، انتشارات سمت، 1379، ص 283.

## نقش و جایگاه آق قویونلوها در معادلات سیاسی آناتولی تا آغاز یورش تیمور به آن منطقه

ترکمانان آق قویونلو که به گفته والتر هینتس، از زمان طور علی بیگ، پا به صحنه تاریخ گذاشتند،<sup>10</sup> قدم‌های بسیار بلندی را برای افزایش قدرت خود در میان طوایف ترکمان برداشتند. به ویژه سقوط امپراتوری ایلخانی برای طایفه آق قویونلو فرصت بسیار مهمی بود. پس از انقراض حکومت ایلخانیان، هنگامی که سه خاندان جلایر، چوپان و سوتای برای کسب قدرت با یک دیگر به نزاع مشغول بودند، قراقویونلوها به جلایریان پیوستند و طایفه آق قویونلو به خدمت خاندان سوتای درآمدند. پس از شکست خاندان سوتای از جلایریان و پراکنده شدن آنان، آق قویونلوها با فرزندان ارتوق که حکمران ماردین بودند، همکاری کردند و برخی از شهرها و قلعه‌ها را در منطقه دیاربکر به تصرف خود درآوردند.<sup>11</sup> از آن به بعد آنان به تدریج نقش عمده‌ای را در معادلات سیاسی منطقه آناتولی به عهده گرفتند. به طوری که الکسی سوم امپراتور طرابوزان، از میان طوایف مختلف ترکمان، آق قویونلوها را که از همه طوایف قدرتمندتر تصور می‌کرد، به عنوان هم پیمان خویش برگزید.<sup>12</sup> این تصمیم مناسبی بود، چون امپراتوری طرابوزان از آن موقع تا سال 1360/ 762 از این طرف هیچ حمله‌ای صورت نگرفت.<sup>13</sup>

آق قویونلوها سپس در زمان قتلو بیگ که در پی منافع مادی یا نفوذ سیاسی بود، به صورت مهره‌ای مهم و تأثیر گذار تقریباً در تمامی معادلات سیاسی- نظامی آناتولی شرقی و مرکزی مداخله کرده و به عنوان عنصری غیر قابل چشم پوشی در بازیهای سیاسی متعدد منطقه درآمدند.<sup>14</sup> در زمان قتلو بیگ اویماق آق قویونلو به تدریج قدرتمند شده به صورت الوس درآمد. زیرا با پیروزیهایی که آق قویونلوها در جنگ‌ها کسب کردند به تدریج دیگر بویها و اویماقات به آنان ملحق شدند.<sup>15</sup> به نظر می‌رسد که آق قویونلوها در این زمان از خاندان ارتنه فرمانروایان سیواس- قیصری اطاعت می‌کردند، بطوری که مدتی بعد در مقابل اقدامات توسعه طلبانه آنان به طور مستقل با امیر مطهرتن حاکم ارزنجان متحد شدند.<sup>16</sup>

اگرچه بعد از قتلو بیگ از بین چهار پسر او حسین، احمد، پیرعلی و عثمان، ریاست آق قویونلوها را احمد بیگ عهده دار شد، لکن از قرائن پیداست که قدرت به صورت متمرکز در

<sup>10</sup> والتر هینتس، تشکیل دولت ملی در ایران، حکومت آق قویونلو و ظهور دولت صفوی، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی، 1377، ص 31.

<sup>11</sup> M. Halil Yinanç, "Akkoyunlular", s. 253; M. Çetin Varlık, "Akkoyunlular", s. 408.

<sup>12</sup> M. Halil Yinanç, "Akkoyunlular", s. 254.

<sup>13</sup> Faruk Sümer, Akkoyunlular, Türk Dünyası Araştırmaları, Şubat 1986, sayı: 40, s. 5.

<sup>14</sup> M. Halil Yinanç, "Akkoyunlular", s. 254.

<sup>15</sup> M. Çetin Varlık, "Akkoyunlular", s. 408.

<sup>16</sup> Ag.e., s. 409.

اختیار او قرار نگرفت و دیگر برادران از جمله قرايولوک عثمان نیز به نوعی خود را در آن سهیم می‌دیدند. در زمان ریاست احمد بیگ رابطه آق قویونلوها با مطهرتن حاکم ارزنجان تیره شد. هر چند مطهرتن در اولین حمله شکست خورد ولی وقتی در دومین حمله با قرايولولو متحد شده، موفق شد آق قویونلوها را منهزم کند. در نتیجه آنان به قاضی برهان الدین پناه بردند.<sup>17</sup> بعد از این جریان دسته بندیهای محلی در آناتولی تشدید شد. در یک سو قاضی برهان الدین و آق قویونلوها و در سوی دیگر مطهرتن با قرايولولوها در مقابل یکدیگر جبهه بندی کردند. ولی احمد بیگ رئیس آق قویونلوها چندان به قاضی برهان الدین وفادار نبود. او چندین بار خواست نسبت به قاضی برهان الدین خیانت ورزد، ولی اقدامات او نتیجه‌ای نبخشید. قاضی برهان الدین هم به سبب ترس از اینکه آق قویونلوها دشمن او شوند، آنان را مجازات ننموده، اجازه داد که به سرزمین خویش بازگردند.<sup>18</sup> مدتی بعد از آن مطهرتن و قرايوسف آق قویونلو به اتفاق دو بار به جانب آق قویونلو حمله بردند ولی آنان در هر دو مرتبه از قرايولوک عثمان شکست خوردند.<sup>19</sup> این شکست برای مطهرتن چنان سنگین بود که بعد از آن سه چهار سال خود را از جنگ‌های قدرت منطقه‌ای دور نگه داشت.

آق قویونلوها هنگامی که قاضی برهان الدین با استفاده از دور شدن تیمور از آناتولی- برای حمله علیه تحت الحمایه سابق‌اش توقتمیش خان در دشت قیچاق - به ارزنجان حمله نمود (1395/ 797)، بار دیگر با ارسال نامه و فرستاده تبعیت خویش را به او اعلام کردند و بدین ترتیب دوستی سابق تجدید شد. آنان قاضی برهان الدین را در جنگ علیه مطهرتن در ارزنجان یاری رساندند.<sup>20</sup> قاضی برهان الدین هم به سبب رضایت از این عملکرد آق قویونلوها، سرزمین-هایی را که تا بایبورت کشیده می‌شد، به آنان واگذار نمود.<sup>21</sup> بدین ترتیب، آق قویونلوها رسماً دوباره در سرزمینی که احتمالاً سرزمین اصلی ایشان بود، مستقر شدند. ولی قاضی همیشه از آق قویونلوها اندیشناک بود. به طوری که در حمله علیه علاءالدین قرامان در حوالی خرپرت از اینکه این امیر تابع او نشده، با قرامانها علیه او متحد گردد و یا از پشت به او حمله کند، ترسیده و بدان جهت تدابیری اتخاذ کرد.<sup>22</sup>

<sup>17</sup> A.g.e., s. 410-411.

<sup>18</sup> عزیز بن اردشیر استرآبادی، بزم و رزم، استانبول، اوقاف مطبعی، 1928، صص 71-370، 76-81\*373-379.

<sup>19</sup> ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکره، به تصحیح و اهتمام فاروق سومر و نجاتی لوغال، تهران: افست انتشارات طهوری، 1356، صص 37-38؛

M. Halil Yinanç, "Akkoyunlular", s. 255.

<sup>20</sup> عزیز استرآبادی، بزم و رزم، صص 474-480.

<sup>21</sup> عزیز استرآبادی، بزم و رزم، صص 77-476؛ و نیز رک:

Yaşar Yücel, Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri ve Sonuçları (1393-1402), Türk Tarih Kurumu, Ankara, 1989, s. 53; Faruk Sümer, Akkoyunlular, s. 8; Sadettin Baştürk, Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri, Bu Seferlere Karşı Koyma Çabaları ve Sonuçları, History Studies, Middle East Special issue, 2010, s. 20.

<sup>22</sup> عزیز استرآبادی، بزم و رزم، صص 495-497؛

مدتی بعد حسادت، ترس و خودخواهی احمد بیگ و جاه طلبی پیر علی برادر او باعث ایجاد شکاف در اتحادیه آق قویونلو شد. در نتیجه آنان به دو دسته طرفداران احمد و قرایولوک تقسیم شدند.<sup>23</sup> از این رو، قرایولوک تحت تأثیر برادرانش نزد قاضی برهان الدین رفت تا "دعوی امارت به برهان ثابت و واضح گرداند".<sup>24</sup> قرایولوک با این اقدام اولین قدم را در قبضه امارت آق قویونلو با کمک نیروی خارجی برداشت. او تقریباً حدود ده، یازده سال در خدمت قاضی برهان الدین ماند<sup>25</sup> و مأموریت‌های مهمی به او محول شد.<sup>26</sup> اما سرانجام با متبوع خویش اختلاف پیدا کرده علیه وی عصیان نمود و او را به قتل رسانید. گزارش‌های متناقضی درباره علل و نتیجه نهایی این اختلاف ارائه شده است. ابن عربشاه ناکامی قرایولوک در اجرای وظایفش را عامل اصلی اختلاف می‌داند.<sup>27</sup> در حالی که ابوبکر طهرانی، خلف و عده و بی‌احترامی قاضی برهان الدین را عنوان می‌کند.<sup>28</sup> البته گزارش هانس شیلت برگر که می‌گوید: "در سال 801 / 1398 قرایولوک عثمان از قاضی برهان الدین حاکم سیواس خواست که برای احشام او بیلاقی را تخصیص بدهد، قاضی نیز به او وعده داد که در موسم پاییز به او جا خواهد داد، عثمان بیگ از این اظهار ناراحت شده و بدون اجازه قاضی، به قلمرو خویش مراجعت کرد. قاضی وقتی این خبر را شنید به غایت عصبانی شد و با تعدادی نیروی را تحت تعقیب قرار داد. ولی قرایولوک وی را دستگیر در جلو دروازه سیواس به قتل رسانید"، به واقعیت نزدیک می‌باشد.<sup>29</sup>

این حادثه غیر منتظره نقطه عطفی در سرنوشت آناتولی شد. از یک سو، قراعثمان بعد از این پیروزی خیرکننده بر قاضی برهان‌الدین مستقلانه بر بیشتر آناتولی مرکزی حکومت کرد و بر اعتبار او در بین مدعیانش افزوده گردید و نیروهای جدیدی به او ملحق شدند. از سوی دیگر با مرگ قاضی برهان و در پی آن سلطان مملوک اتحادیه سیاسی موجود در آناتولی درهم شکست و زمینه برای توسعه طلبی تیمور و یلدرم بایزید فراهم گردید.

M. Halil Yinanç, "Akkoyunlular", s. 255; Roemer, The Timurid and Safavid periods, s. 156.

<sup>23</sup> اسماعیل حسن زاده، حکومت آق قویونلو، ص 82؛ Jhon E Woods, The Aqqyunlu: Clan, s. 39.

<sup>24</sup> ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکر، ص 39.

<sup>25</sup> İsmail Hakkı Uzunçarşılı, Anadolu Beylikleri ve Akkoyunlu, Kara Koyunlu Devletleri, Türk Tarih Kurumu, Ankara, 1984, s.188.

<sup>26</sup> ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکر، ص 43.

<sup>27</sup> احمد بن محمد ابن عربشاه: زندگی شگفت‌آور تیمور، ترجمه محمد علی نجاتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1386، ص 92.

<sup>28</sup> ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکر، ص 43.

<sup>29</sup> Johann Schiltberger, The Bondage and Travels of Johann Schiltberger, in Europe, Asia and Africa, 1396-1427, Edited by Fuat Sezgin and Translated by J. Buchan Telfer, London, 1995, s. 14-15; Yaşar Yücel, Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri, s. 58.

تیمور از شنیدن خبر قتل قاضی برهان الدین که یکی از موانع اصلی او در پیشرفت به آناتولی بود،<sup>30</sup> به قول ابن عربشاه، آنچنان خوشحال شد که می‌خواست به جانب شام پرواز کند.<sup>31</sup> این جریان شاید سراغار برقراری روابط قرايولوک عثمان با تیمور شد. چرا که این امیر قتل قاضی برهان الدین را با پشتیبانی تیمور انجام داد. همانند روشی که برقوق مملوک مصر برای از میان برداشتن سولی بیگ ذوالقدر اوغلی برداشت، و آن موثر واقع شد، تیمور نیز از این روش برای از میان برداشتن قاضی برهان الدین، که به تهدیدات او وقعی نمی‌نهاد، استفاده کرد. زیرا قرايولوک عثمان نیز بعد از این حادثه با تیمور متحد شد. در واقع مرگ قاضی برهان الدین باعث به وجود آمدن خوشحالی زاید الوصفی در بین دولت‌های هم پیمان تیمور گردید.<sup>32</sup> بنابراین با مرگ قاضی برهان الدین مقاومت و اتحادیه منطقه‌ای چهارگانه یلدرم بایزید، توقتمیش، برقوق و قاضی برهان الدین احمد، در برابر تیمور خاتمه پذیرفت و آق قویونلوها با این کار بزرگترین خدمت را به تیمور کردند. تیمور که تا چندی پیش به سبب وجود این اتحادیه از ورود به منطقه آناتولی خودداری کرد و به اجبار سیاست صبر و انتظار را برگزیده بود، اینک با توجه به مرگ قاضی برهان الدین و متعاقب آن برقوق مملوک مصر شرایط را برای فتح آناتولی و ابراز قدرت و عظمت خود به رقابش مناسب دید.

یلدرم بایزید هم از شرایط ایجاد شده خوشحال شد. زیرا او قاضی برهان الدین حاکم سیواس-قیصری را به عنوان مهم‌ترین رقیب در راه ایجاد یکپارچگی سیاسی در آناتولی می‌دید و از قدرت او واهمه داشت. یلدرم بایزید موفق شد قلمرو قاضی برهان الدین و سایر امرای کوچک محلی از جمله قرامانلی‌ها را به تصرف درآورده و مرزهای خود را در شرق به سواحل دریای سیاه برساند. او همچنین با استفاده از تغییر ایجاد شده در تخت سلطنت مملوک در سال 802/1399 اتحاد و اتفاق موجود بین دو حکومت را به فراموشی سپرد و سرزمین‌هایی را که در امتداد رود فرات و در داخل قلمرو مملوکان قرار داشتند یعنی البستان، ملاطیه، دارنده، دیورقی را به تصرف درآورد. بدین ترتیب او بعد از تصرف نواحی مرکزی آناتولی گام مهمی را در راه ایجاد یکپارچگی سیاسی در آناتولی برداشت. اما با این اقدامات اخیر او اتفاق و دوستی در آناتولی رنگ باخت و دوباره تهاجم و دشمنی جایگزین اتحاد و دوستی در آناتولی شد. یلدرم بایزید که مخالفان سیاسی تیمور را پناه داده بود، و بهانه لازم را برای حمله او فراهم آورده بود، اینک برای مقابله با تیمور تنها ماند و نتوانست نیروی متحدی را در برابر تیمور سازماندهی کند. بدون شک این وضعیت کار تیمور را برای فتح آسان آناتولی و سوریه راحت کرد.<sup>33</sup>

<sup>30</sup> Yaşar Yücel, Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri, s. 23.

<sup>31</sup> ابن عربشاه، زندگی شگفت آور تیمور، ص 84.

<sup>32</sup> Yaşar Yücel, Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri, s. 61; Sadettin Baştürk, Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri, s. 20.

<sup>33</sup> İsmail Aka, "Timurlular", Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları, Ankara, 1995, s. 36; Yaşar Yücel, Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri ve Sonuçları (1393-1402), s. 61; Sadettin Baştürk, Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri, s. 20; İlhan Erdem, "Ak-koyunlu Devleti'nin Kurucusu Kara Yülük Osman Bey'in Hayatı ve Faaliyetleri", Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Dergisi, Cilt XXXIV, sayı: 1-2, 1990'dan ayrınbasım, Ankara, 1990, s. 100.



به هر حال قتل قاضی برهان‌الدین در سال 801/ 1398 نقطه عطفی در تاریخ آق قویونلوها شد. و رهبر آنان قرايولوک عثمان را به عنوان حاکم بلامنازع آق قویونلوها مطرح ساخت. قرايولوک عثمان پس از به قتل رساندن قاضی برهان‌الدین سعی کردند تختگاه او سیواس را بگیرند اما سکنه شهر که نمی‌خواستند تحت تبعیت حکمران ترکمان قرار بگیرند، از یلدرم بایزید کمک خواستند. بایزید که با حساسیت خاصی فعالیت‌های آق قویونلوها را تحت نظر داشت این اقدام آنان را برخلاف سیاست یکپارچگی سیاسی در آناتولی دانست و در نتیجه پسر ارشدش سلیمان چلبی را به سیواس گسیل داشت. در پی توجه لشکر عثمانی به جانب شرق، آق قویونلوها محاصره سیواس را رفع کرده و به جانب شرق عقب نشستند.<sup>34</sup>

قرايولوک عثمان پس از ناکامی در فتح سیواس چون توان مقاومت در برابر یلدرم بایزید را در خود نمی‌دید، در اجبار به تغییر یک رهبر به رهبر دیگر اینک خود را به نزد مطهرتن، که از میزان دوستی وی با تیمور به خوبی آگاه بود، رسانید و با او متحد شد.<sup>35</sup> مطهرتن ابتدا متحد قرايولولوها و دشمن آق قویونلوها بود. در اصل دلیل اصلی اینکه آق قویونلوها به خدمت قاضی برهان‌الدین درآمدند، او بود. مطهرتن هم به دلیل اینکه او دشمن نیرومندی چون قاضی برهان‌الدین را از میان برداشته بود و همچنین حضور رو به گسترش یلدرم بایزید را در آناتولی مشاهده می‌کرد، دوستی با طایفه جنگاوری چون آق قویونلوها را تکیه گاه مطمئنی در برابر پیشروی نیروهای عثمانی به طرف قلمرو خویش تلقی کرد. از این رو این دو تن که بیش از دهه با یکدیگر اختلاف داشتند اینک به سبب ترس از توسعه طلبی امپراتوری عثمان با یکدیگر مذاکره کرده و اختلافات سابق را کنار گذاشتند.<sup>36</sup>

با این همه قرايولوک مدت زیادی نزد مطهرتن باقی نماند. او که به واسطه مطهرتن قصد داشت، حمایت تیمور را کسب کند، به خاطر اینکه در این زمان تیمور از آناتولی خیلی دور بود، پیشرفتی در کارش احساس نمی‌کرد و از سویی مطهرتن هم رهبری نبود که بتواند به خواسته های وی جامع عمل ببوشاند، بنابراین برای اینکه با درگیر شدن با یلدرم بایزید از پا در نیاید، برای اتخاذ تدابیر مناسب در برابر توسعه طلبی‌های او، به سلطان مملوک پناه برد. سلطان مملوک از این امیر ترکمان به رغم خسارت‌هایی که پیش از این به او وارد آورده بود،<sup>37</sup> به سبب اینکه

<sup>34</sup> ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکر، ص 46؛

İlhan Erdem, *Akkoyunlular, Akkoyunlular'ın Tarih Sahnesine Çıkışları ve Kökenleri*, Genel Türk Tarihi, 4, Yeni Türkiye yayınları, 2002, s. 365; Johann Schiltberger, *The Bondage and Travels of Johann Schiltberger*, s.17-18; c. 255; M. Çetin Varlık, "Akkoyunlular", s. 414.

<sup>35</sup> Yaşar Yücel, *Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri*, p.77.

<sup>36</sup> M. Halil Yananç, "Akkoyunlular", s. 257; M. Çetin Varlık, "Akkoyunlular", s. 414.

<sup>37</sup> غیاث‌الدین بن فتح‌الله الکاتب بغدادی (الغیاتی)، التاریخ الغیاتی، الفصل الخامس من سنة 656-891/1258-1486م، دارسه و تحقیق طارق نافع الحمدانی، بغداد، مطبع اسعد، 1975، ص 256-255.

او نیروهای قابل توجهی را در آناتولی تحت فرمان داشت، استقبال نمود. سلطان مملوک برای او امان نامه و پنجاه هزار در هم نقره ارسال داشت<sup>38</sup>. قرايولوک قصد داشت با مساعدت سلطان برقوق رهبری آق قویونلوها را به دست آورد. لیکن مرگ برقوق اندکی بعد از آن و به تخت نشستن فرج جوان از یک سو و سقوط بسیاری از شهرهای ممالیک در آناتولی به دامان بایزید و آماده شدن او برای یورش به شام، باعث شد قرايولوک از دربار مملوک مأیوس شود. بنابراین او به سرعت با مطهرتن، تنها فردی که در این منطقه با او هم رای بود، ارتباط برقرار نمود.<sup>39</sup> در واقع قرايولوک بعد از اینکه از طریق سلطان مملوک نتوانست به اهداف خویش دست پیدا کند، از سلطان مملوک جدا شد و به نزد تیمور آمد.

### آق قویونلوها از اتحاد با تیمور در قراباغ تا مشارکت در نبرد آنکارا (1402/804)

آق قویونلوها که به رهبری قرايولوک عثمان، تا این زمان برای تشکیل امارت به افراد مختلفی چون قاضی برهان الدین حاکم سیواس- قیصری، سلطان مملوک و در نهایت مطهرتن، متوسل شده بود، هنوز نتوانسته بودند از طریق آنان به اهداف خویش دست یابند. از آنجا که در این موقع خود را در معرض تهدید دائمی دشمنان سرسختش یدلرم بایزید و قرايوسف قراقویونلو می‌دیدند، سرانجام معقولانه تصمیم گرفتند که به تیمور، که در آن زمان بیشتر قدرت‌های منطقه با رغبت یا اکراه به تبعیت او گردن نهاده بودند و قدرتمندتر از او کسی در خاورمیانه وجود نداشت، ملحق گردند.<sup>40</sup> بنابراین جذب شدن آن به سوی تیموریان در آغاز ناشی از ضعف موقعیت آنان در میان عثمانیها، مملوکان و قراقویونلوها بود و قراعثمان که در آن زمان قدرتمندترین فرد این اتحادیه بود، سیاست اتحاد با تیمور را برگزید.<sup>41</sup> عاملی که بیش از همه در تصمیم آق قویونلوها برای اتحاد با تیمور تأثیر بسزایی داشت، اقدامات توسعه طلبانه یدلرم بایزید و حمایت او از دشمن دیرینه آنان قراقویونلوها بود. یدلرم بایزید با تصرف بیشتر امیرنشین‌های شرق آناتولی جهت محقق ساختن سیاست یکپارچگی سیاسی در آناتولی زنگ خطر را برای آق-قویونلوها درآورد، از این رو آنان به سبب ترس از یدلرم بایزید، برای اینکه به سرنوشت امیرنشین‌های دیگر دچار نگردند، تصمیم گرفتند جانب تیمور را بگیرند.

از این رو، قرايولوک عثمان به همراه مطهرتن، که پیش از آن در اوچمیزدین به دیدار تیمور رسیده و از او منشور امارت گرفته بود،<sup>42</sup> در جریان لشکرکشی تیمور به قراباغ در

<sup>38</sup> تقی‌الدین احمد بن علی المقریزی، کتاب السلوک لمعرفة دول الملوک، جز ثالث، القسم ثانی (801-783)، سعید عبدالفتاح عاشور، مطبوعه دارالکتب، 1970، ص 939.

<sup>39</sup> Yaşar Yücel, Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri, s. 78; M. Halil Yinanç, "Akkoynlular", s. 257.

<sup>40</sup> ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکر، ص 74.

<sup>41</sup> Beatrice Forbes Manz, The Rise and Rule of Tamerlane, Cambridge: Cambridge University Press, London, 1989, s. 146.

<sup>42</sup> میرخواند، محمد بن خواندشاه: روضه الصفا، به تصحیح جمشید کیانفر، تهران، نشر اساطیر، 1380، ج 6، ص 23-4822 و 4828

زمستان 1399-1400/ربیع الاول- رجب 802 به نزد تیمور رفت و در قلعه آونیک با تیمور ملاقات نموده و به او اظهار تبعیت کرد.<sup>43</sup> به گفته ابن عربشاه " چون به نزدش رسید دستش ببوسید".<sup>44</sup> به همین جهت مطهرتن واسطه اولین تماس آق قویونلوها با تیمور شد. البته ابوبکر طهرانی اولین تماس آق قویونلوها با تیمور را در جریان کمک قرايولوک به قرايوسف قرايونلو برای شکست امیر پیرحسین می‌داند. با این وجود در منابع دوره تیموری همچون ظفرنامه‌ها و زبده التواریخ حافظ ابرو هیچ اشاره‌ای به این ارتباط نشده است و به نظر نمی‌رسد که قرايولوک عثمان هیچ گونه روابط سیاسی با تیمور تا پیش از 1399/802 داشته باشد. به هر حال موفقیت قرايولوک در تشکیل اتحادیه آق قویونلو در سایه این تماس در آونیک حاصل شد. چرا که حوادث تاریخی نشان می‌دهد که او برای محقق ساختن اتحادیه ملی به دنبال پشتیبانی یک رهبر قدرتمند بود. با توجه به این، پناهندگی قرايولوک به مطهرتن برای مطهرتن هم به غایت مفید واقع شد، چرا که در سایه حمایت قرايویوک می‌توانست نیروهای لازم را برای مقاومت در برابر یلدرم بایزید فراهم کند.<sup>45</sup>

نزدیک شدن آق قویونلوها به تیمور، در واقع قدم اصلی و نهایی آنان در تشکیل امارت بود.<sup>46</sup> تیمور اظهار تبعیت دشمن بی‌قرار قرايونلوها، کسانی که در همه جا به او به شدت مخالفت کرده و مقاومت نشان داده بودند، را قبول کرد و با قرايولوک با احترام برخورد کرده و به او قول داد که منطقه‌ای را در آناتولی به او اختصاص خواهد داد.<sup>47</sup> در واقع موضع متفاوت آق قویونلوها و قرايونلوها سرنوشت متفاوتی را برای هر دو رقم زد. برای آق قویونلوها و اهداف سیاسی که دنبال می‌کردند، قبیله برادر ترکمن یعنی اتحادیه قرايونلو بسیار خطرناکتر از همه دشمنان دیگر بود. لذا سیاستی که آنان در قبال تیمور اتخاذ کردند بسیار متفاوت از یکدیگر بود. قرايونلوها حاضر به تبعیت از تیمور نشدند و در نهایت به دربار عثمانی پناه بردند. این رفتار قرايوسف و موضع خصمانه دیگر رهبران قبیله قرايونلو نسبت به تیمور در تصمیم رهبر آق قویونلوها برای پیوستن به تیمور تأثیر قاطعی داشت.<sup>48</sup> آق قویونلوها پاداش این عمل خویش را نیز دریافت نمودند و برخلاف قرايونلوها که مجبور به ترک سرزمین اصلی خویش شدند آنان در سرزمین خویش ابقا شده و موفق به حفظ دیار بکر و ارزوم شدند.<sup>49</sup>

M. Halil Yinanç, "Akkoyunlular", s. 257.

<sup>43</sup> نظام الدین شامی، تاریخ فتوحات تیمور معروف به ظفرنامه، تصحیح فلکس تاور، پراک 1937 (ج1)، 1956 (ج2)، اضافه شده توسط حافظ ابرو، ج2، ص 147؛ ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکریه، ص47. <sup>44</sup> ابن عربشاه، زندگی شگفت آور تیمور، ص96.

<sup>45</sup> Yaşar Yücel, Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri, s.77.

<sup>46</sup> İsmail Hakkı Uzunçarşılı, Anadolu Beylikleri, s. 189.

<sup>47</sup> M. Halil Yinanç, "Akkoyunlular", s. 257; M. Çetin Varlık, "Akkoyunlular", s. 414-415.

<sup>48</sup> Roemer, The Timurid and Safavid periods, s.157.

<sup>49</sup> الغیائی، التاریخ الغیائی، ص 373؛ اسماعیل حقی اوزون چارشلی، تاریخ عثمانی، ترجمه وهاب ولی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1380 ج 1، ص 28-527.

این عربشاه و ابوبکر طهرانی، قرایولوک عثمان و امیر طهرتن را مسبب یورش تیمور به آناتولی می‌دانند که در نهایت نبرد آنکارا را به بار آورد.<sup>50</sup> ابن عربشاه، قرایولوک عثمان را بزرگ آشوبگران نامیده معتقد است که او در کشاندن تیمور به آسیای صغیر و ویرانی و خرابی این بلاد نقش عمده ای داشت. همچنان که ایدکو برلاس زمینه ساز حمله تیمور به دشت قپچاق شد، قرایولوک عثمان نیز او را به آناتولی کشاند.<sup>51</sup> هر چند نمی‌توان سهم افرادی چون قرایولوک عثمان، طهرتن، قرایوسف و احمد جلایری را نادیده انگاشت، ولی همه اینها علت دور و دلایل حاشیه‌ای نبرد تیمور با یلدرم بایزید بودند، دلیل اصلی رویاری آنان لزوم از بین رفتن تیمور یا بایزید بود. شرق دو قهرمان را نمی‌تابید. یلدرم بایزید برای تداوم غزوات خود می‌بایست نه تنها از پشت سر خویش حداقل آسیای صغیر آسوده خاطر باشد، بلکه آناتولی نقش منبع تأمین نیروی انسانی وی را ایفا کند و از سوی دیگر تیمور هم با الگو قرار دادن چنگیزخان جاه طلبی های یلدرم را نمی‌توانست هضم کند.<sup>52</sup> با توجه به اینکه این کلمات قصار " کلّ ممالک مسکون جهان شایسته دو پادشاه نیست، چون خدا یکی است و لذا قائم مقام او در زوی زمین هم باید یکی باشد" را به تیمور نسبت می‌دهند،<sup>53</sup> بنابراین درگیری او با یلدرم بایزید امری بدیهی و اجتناب ناپذیر بود.

به هر رو، تیمور پس از غلبه بر گرجی‌ها با تحریک و تشویق قرایولوک عثمان و طهرتن از طریق ارزروم به سرعت عازم سیواس شد. در این لشکرکشی آنان راهنمایی اردوی تیمور را به عهده داشتند. شهر به شدت تحت محاصره قرار گرفت. شاهزاده سلیمان چلبی والی سیواس، دفاع از قلعه را به مصطفی بیگ مالک کوچ اوغلی واگذار کرد و خود عقب نشست. عاقبت شهر پس از هیجده روز محاصره تسخیر و غارت شد.<sup>54</sup> تیمور در موقع فتح سیواس بر زهر چشم نشان دادن به کسانی که قصد مقاومت در برابر او را داشتند، خشونت زیادی از خود نشان داد. بدون شک او در این حمله از پشتیبانی افرادی چون قرایویوک و مطهرتن، که قصد انتقام گیری از اهالی سیواس را داشتند، برخوردار بود. تیمور که در اداره سرزمین‌های فتح شده اهمال نمی‌کرد، اداره سیواس را به قرایولوک عثمان که از آنیک به بعد همراه او بود، واگذار کرد.<sup>55</sup>

تیمور بعد از تسلط بر سیواس، نواحی البستان و ملاطیه را در حالی که قرایولوک عثمان سپاه وی را پیش آهنگی می‌کرد، تصرف نمود و ملاطیه را با توابع و ضمایم به قرایولوک عثمان داد.<sup>56</sup> تیمور به دلیل اینکه هنوز اطلاعات کافی درباره موقعیت کلی عثمانیها و نیروی عظیم

50 ابن عربشاه، زندگی شگفت آور تیمور، ص 97؛ ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکر، ص 48.

51 ابن عربشاه، زندگی شگفت آور تیمور، صص 96-97.

52 محمد حسین امیر اردوش، *اوزون حسن آق قویونلو و سیاست های شرقی- غربی*، تهران: انتشارات برسات، 1381، ص 43.

53 İsmail Aka, "Timurlular", s. 146.

54 عبدالرزاق سمرقندی، کمال الدین، مطلع سعدین و مجمع بحرین، به اهتمام عبدالحسین نوانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1383، ج2، صص 38-837؛ اوزون چارشلی، تاریخ عثمانی، ج1، ص 330.

55 Yaşar Yücel, *Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri*, s. 82.

56 شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه. تصحیح و تحقیق سید سعید میر محمد صادق، دکتر عبدالحسین نوانی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، 1387، ج2، ص1039؛ عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و

نظامی آنان از طریق جاسوسان خویش را کسب نکرده بود، از پیش روی در داخل آناتولی یعنی جلو انداختن مصاف با بایزید اجتناب ورزید و به شامات یعنی سرزمین مملوک هجوم برد.<sup>57</sup> ابوبکر طهرانی می‌گوید که قرايولوک عثمان و پسران او تیمور را در یورش به سوریه همراهی کردند و به سبب شجاعتها و فداکاریهایی که در این جنگ‌ها از خود نشان دادند، توجه تیمور را به خود جلب نمودند و به همین سبب تیمور شهر آمد را که از دست ملک الظاهر مجدالدین عیسی امیر ارتقی در آورده بود، به ابراهیم بیگ پسر قراعثمان بخشید.<sup>58</sup> مورخانی چون حافظ ابرو و شرف الدین علی یزدی که شاهد این لشکرکشی تیمور بودند، از این موضوع صحبت نمی‌کنند. آنها می‌گویند در هنگام مراجعت از سوریه، در راه عزیمت به عراق زمانی که به بیره، واقع در کرانه رود فرات، رسید، قرايولوک به استقبال او شتافت و مورد لطف و عنایت او واقع شد.<sup>59</sup> تیمور نیز او را با خود همراه کرده به اتفاق عازم ماردین شدند و شهر را در حصار گرفتند، اگرچه شهر را تصرف کرد، اما موفق به گشودن قلعه ماردین نشد و از این‌رو هنگام عزیمت به جانب بغداد، تصرف آن را به قراعثمان که مرکز امارتش به آنجا خیلی نزدیک بود، واگذار کرد.<sup>60</sup> ابن عربشاه ضمن اشاره به ناکامی تیمور در تصرف ماردین می‌گوید "تیمور برای اینکه عیب و ناتوانی خویش را در تصرف شهر پوشیده دارد و قسمتی از هبیت و حرمت خود را حفظ کند، در سال 803/ 1401 هنگام ترک ماردین، آمد را به قرايولوک داد و منتی بعد موصل را تصرف کرده و آن جا را به یارحسین تفویض کرد".<sup>61</sup> ابوبکر طهرانی بعد از ارائه اطلاعات مشابه، می‌گوید در زمان عزیمت تیمور به عراق و محاصره بغداد، قرايولوک عثمان نیز ماردین را در محاصره کرده بود. قرايولوک عثمان، ملک الظاهر عیسی حاکم ماردین را مغلوب و او را در مقابل واگذاری قلعه دیگر راضی به صلح نمود و سپس هنگامی که خودش همانند بزرگان به بیلاق رفت، پسرش ابراهیم را به حصن کیفا فرستاد و وی آنجا را نهب و غارت نمود و ملک عادل عالم الدین سلیمان ایوبی را مجبور به تبعیت و دادن مالیات و سر باز نمود. قرايولوک سپس، حملاتی را به جانب اکراد سلیمانی و زرقی، که رابطه خوبی با قراویونلوها داشتند، انجام داد و بعضی از قلاع آنها را گرفت.<sup>62</sup>

مجمع بحرین، ج2، ص 839؛ غیاث الدین بن هماد الدین الحسینی (خواندمیر)، تاریخ حبیب السیر، ج3، صص 91-489.

<sup>57</sup>اوزون چارشلی، تاریخ عثمانی، ج1، ص331.

<sup>58</sup>ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکریه، ص48.

<sup>59</sup>یزدی، ظفرنامه، ج2، ص1089؛ حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی (حافظ ابرو): زبده التواریخ. با مقدمه و تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1380، ج2، ص 928.

<sup>60</sup>یزدی، ظفرنامه، ج2، ص 1092؛ حافظ ابرو، زبده التواریخ، ج2، ص 929.

<sup>61</sup>ابن عربشاه، زندگی شگفت آور تیمور، صص 36-135.

<sup>62</sup>ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکریه، ص 49؛ و نیز رک: تقی الدین احمد بن علی المقریزی، تَرَرُ الْعُقُوفِ الْفَرِیْدَةِ فِي تَرَاجِمِ الْأَعْيَانِ الْمُفْیِدَةِ، حَقَّقَهُ وَ عَلَّقَ عَلَيْهِ الدُّكْتُورُ مُحَمَّدُ الْجَلِیْلِیُّ، بیروت، دارالعرب الاسلامی، المجلد الثانی، ص 420؛ جمال الدین ابی المحاسن یوسف بن تغربردی الاتابکی (ابن تغربردی)، النُّجُومُ الزَّاهِرَةُ فِي مَلُوكِ مِصْرٍ وَ الْقَاهِرَةِ، تحقیق فهیم محمد شلتوت، الهیئه المصریة للتالیف و النشر، 1390/1970، الجزء الثالث عشر، صص 61-

بنابر این هنگامی که تیمور در بیره بود قرایولوک عثمان که او را در تصرف سیواس و ملاطیه همراهی کرده بود، بعد هم از سوی تیمور به اداره ملاطیه و حوالی گمارده شده بود، به نزدش آمد و تبعیت خویش را تجدید نمود. نکته مهم دور اندیشی آق قویونلوها جهت استفاده از فرصت به وجود آمده برای ایجاد اتحادیه ملی بود. رهبر آنان قرایولوک عثمان بیگ، برای سرنوشت اجتماعی که او حاکمیت آن را به عهده داشت، ضرورت حفظ آن را از استیلاء تیمور به خوبی درک کرده بود. وی با چنین برداشتی با یک اقدام به جا نزد تیمور آمد که در بیره بود. تیمور هم تبعیت او را پذیرفت.<sup>63</sup>

در دومین و بزرگترین لشکرکشی تیمور به آناتولی که به نبرد سرنوشت ساز آنکارا انجامید عثمان و برادران بزرگش احمد و پیرعلی بیگ وی را همراهی نمودند، این به معنای آن است که تمامی آق قویونلوها و تیره‌های تابع آن به خدمت امیر چغتایی درآمدند.<sup>64</sup> اگر چه مورخین درباره جایگاه و نقش آق قویونلوها اتفاق نظر ندارند به طور مثال حافظ ابرو می‌گوید قرایولوک در نبرد آنکارا بین تیمور و یلدرم بایزید در جناح راست اردوی مرکزی بود.<sup>65</sup> شرف الدین علی یزدی اظهار می‌دارد که او در پشت جناح راست، با امیرزاده ابوبکر و جهانشاه موضع گرفته و حمله کردند و جناح راست لشکر عثمانی را منهزم ساختند.<sup>66</sup> عبدالرزاق سمرقندی موضع قرایولوک عثمان را در نبرد مبهم باقی گذاشته می‌گوید او به همراه جهانشاه به جایی که نیروهای سلیمان چلبی در جناح چپ لشکر عثمانی قرار داشت، حمله برده آنان را شکست دادند.<sup>67</sup> به هرحال آنچه مسلم است این است وی به عنوان فرماندهی مهم و موثری در نبرد آنکارا شرکت داشته است. نبردی که به شکست و اسارت و سرانجام قتل یلدرم بایزید انجامید و امپراتوری عثمانی را دچار بحرانی وخیم کرد.

تیمور در پی پیروزی آنکارا و غارت آناتولی بر آن شد که زمستان را در این منطقه بگذراند، آق قویونلوها نیز زمستان را با تیمور در آناتولی گذراندند. وقتی در بهار آن سال تیمور بخشی از غنایم به چنگ آمده را به سمرقند روانه کرد، در میانه راه برادرزادگان عثمان بیگ؛ محمد فرزند احمد بیگ، پیلتن فرزند پیرعلی با سایر آق قویونلوهایی که همراه داشتند، بر کاروان غنایم تیمور دست برد زده و اموال و اشیا را غارت کردند. تیمور با دریافت این خبر پدر غارت کنندگان یعنی احمد بیگ و پیرعلی را محبوس کرد.<sup>68</sup> در این رابطه کلاویخو از کشتار شصت

<sup>63</sup> Yaşar Yücel, *Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri*, s. 113.

<sup>64</sup> M. Halil Yinanç, "Akkoyunlular", s. 257.

<sup>65</sup> حافظ ابرو، زبده التواریخ، ج 2، ص 961.

<sup>66</sup> یزدی، ظفرنامه، ج 2، ص 1142.

<sup>67</sup> عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، ج 2، 919 و 929؛ و نیز برای موارد فوق رک:

M. Halil Yinanç, "Akkoyunlular", s. 257-258.

<sup>68</sup> ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکر، ص 52.

هزار نفر از طایفه آق قویونلو به جرم غارتگری خبر می‌دهد.<sup>69</sup> ولی با توجه به دیگر زوایای حکایت مزبور و عدم انعکاس آن در هیچ منبع تاریخی دیگر، شدت برخورد تیمور با غارتگران و تداوم مناسبات حسنه تیمور با قرايولوک، نمی‌توان صحت چنین خبری را پذیرفت. با این وجود، این حادثه به نفع قرايولوک عثمان تمام شد، زیرا با توجه به این که بعد از این در منابع از این دو برادر ارشد دیگر سخنی به میان نمی‌آید، به نظر می‌رسد که احتمالاً تیمور این دو تن را رها نساخته و مجازات کرده باشد.<sup>70</sup> بدین ترتیب قراعثمان که بی‌تقصیری وی در این موضوع بر تیمور روشن بود، عملاً به صورت موثرترین فرد در میان سران آق قویونلو در آمد و رهبر بلامنازع این طایفه شد. ارتقاء او به چنین مقامی با این واقعیت که کلاویخو سفیر اسپانیا در سال 1404/807 در سمرقند با فرستاده قرايولوک عثمان ملاقات نمود، تأیید می‌گردد.<sup>71</sup>

### دستاوردهای نبرد آنکارا برای آق قویونلوها

نبرد آنکارا به گونه‌ای ناباورانه برای آق قویونلوها دستاوردهای چشمگیر داشت، در پی این نبرد بر قدرت و شهرت آنان افزوده شد. ریسک آنان در گرفتن جانب یکی از طرف‌های درگیر جواب داد و آنان با توجه به این که طرف پیروز را گرفته بودند، توانستند از نتایج آن بهره‌مند شوند. بنابراین تیمور بعد از غلبه بر یلدرم بایزید به سبب خدماتی که آق قویونلوها در نبرد آنکارا به انجام دادند، پیش از ترک آناتولی در سال 1403 هنگامی که به سیواس رسید، با دادن خلعت قرايولوک را معزز داشت و منشور امارت تمامی ناحیه دیاربکر را به عنوان اقطاع به قرايولوک بخشید و به او اجازه داد به قلمرو خویش بازگردد.<sup>72</sup> تیمور سرزمین‌های حساسی را به آق قویونلوها داد که آنان توانستند قلمرو خود را به جانب ارمینیه، دیاربکر و کردستان توسعه دهند.<sup>73</sup> به نظر می‌رسد که با این واگذاری اخیر آرزوی قراقویونلوها برای نیل به امارت تحقق یافت، زیرا آن زمان فرمانروایی قدرتمندتر از تیمور در خاورمیانه نبود.<sup>74</sup> به گفته ابن عربشاه، "تیمور چون به ارزجان رسید، قراعثمان را خلعت فاخر پوشانید و بر ملک خود مستقر داشت و کمک‌ها بدو فرستاد و سفارش او به شمس‌الدین والی کماخ نوشت که هر یک پشتیبان و دستگیر دیگری باشند".<sup>75</sup> آق قویونلوها بعد از وداع با تیمور به سوی مرکز امارت خویش آمد، که اولین پایتخت حکومت آنان شد، آمدند. در واقع با این واگذاری دولت آق قویونلو متولد شد و قرايولوک رهبر آق قویونلوها با گردنکشی و هجوم و غارت اموال مردم و نقض عهد و پیمان، بالاخره

<sup>69</sup> روی گنزالس کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، 1366، ص 144.

<sup>70</sup> ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکر، ص 52؛ 258، M. Halil Yananç, "Akkoyunlular",

<sup>71</sup> Jhon E. Woods, The Aqqyunlu: Clan, s. 42.

<sup>72</sup> یزدی، ظفرنامه، ج 2، ص 1192؛ خواندمیر، حبیب‌السیر، ج 3، ص 515.

<sup>73</sup> Jhon E. Woods, The Aqqyunlu: Clan, s. 42.

<sup>74</sup> Roemer, The Timurid and Safavid periods, s. 157.

<sup>75</sup> ابن عربشاه، زندگی شگفت آور تیمور، صص 63-162.

توانست به حکومت ناحیه دیاربکر دست یابد. قرايولوک بعد از اینکه به آمد رسید با توجه به شهرت، اعتبار و مشروعیتی که به سبب همراهی و شرکت در فتوحات تیمور کسب کرده بود، موفق شد دیگر قبایلی را که پیش از آن تحت فرمان برادرانش بودند، تحت کنترل خویش درآورد. این امارت که ابتدا در آمد تشکیل شد با توجه به اینکه پشتیبانی تیمور را پشت سر خود می‌دید، علیه امرای کوچک همسایه‌اش نیز جنگید و در اغلب این جنگ‌ها پیروز شد و سرزمین‌های خود را به ضرر قدرت‌های همسایه‌اش توسعه بخشید. از این‌رو، آق قویونلوها به تدریج با گرفتن اورفا از طایفه دوگر، کماخ از شمس الدین، ولایت ارزنجان از یار علی نوه مطهرتن، خرپرت از طایفه ذوالقدر؛ ماردین از امیر ناصر والی قرا قویونلوها و منضم نمودن قلاع متعددی از امارت‌های کُرد آناتولی و تسلط بر بعضی قبایل عرب حوالی اورفا، قلمروشان را از یک سو تا امپراتوری طرابوزان و از سوی دیگر تا جنوب اورفا گسترش دادند.<sup>76</sup> بنابراین آق قویونلوها تحت رهبری هوشمندانه و فرصت‌طلبانه قرايولوک عثمان با اتخاذ سیاست مناسب نه تنها خود را از حملات احتمالی تیمور مصون نگه داشتند بلکه ضمن حفظ سرزمین‌های سابق خویش، به توسعه آن نیز اهتمام ورزیدند. قرايولوک عثمان به عنوان رهبر این حکومت نوپا نشان داد که علاوه بر توانایی‌های بالای نظامی که به قول ابوبکر طهرانی "در سیصد جنگ شرکت کرد"،<sup>77</sup> از هوش سیاسی ارزشمندی نیز برخوردار است. فرصت طلبی او در مشارکت در فتوحات تیمور فاکتور بسیار مهمی در موفقیت‌اش بود.<sup>78</sup> در این زمان آق قویونلوها نه تنها از طرف تیمور و جانشینان وی به سبب نقش حائلی که در برابر دشمن مشترک شان قراقویونلو ایفا کردند، از منزلت و اعتبار خاصی برخوردار شدند، حتی عثمانیها نیز که دوران گذار از شکست سنگین آنکارا را سپری می‌کردند، آنان را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای پذیرفته و مبلغ معینی حقوق و هدایا به آق قویونلوها در ازای عدم تجاوز به سرزمین‌شان پرداخت کردند.<sup>79</sup>

### نتیجه گیری:

آق قویونلوها در تکاپوی خود در آناتولی به شدت به قدرتی که بتواند آنان را برای تشکیل امارت و حکومت در این منطقه یاری رساند نیاز داشتند، از این‌رو آنان برای نیل به این مهم دربارهای مختلف از جمله امیرنشین‌های سیواس-قیصری، ارزنجان و ملوک را آزمودند، تا اینکه وقتی جریان توجه تیمور به آناتولی پیش آمد، با اتخاذ یک سیاست حساب شده، جانب وی را گرفتند. بنابراین طمع و حرص امارت و کسب مقام و ثروت، قرايولوک عثمان را وادار کرد که به سرزمین تحت تصرفی و اقوام تابع خود اهانت کند. به استقبال دشمن برود. جذب شدن آن به سوی تیموریان در آغاز ناشی از ضعف موقعیت آنان در میان عثمانی‌ها، مملوکان و قراقویونلوها بود و قراعثمان که در آن زمان قدرتمندترین فرد این اتحادیه بود و با به قدرت

<sup>76</sup> ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکر، ص 55-53؛ حوری و ش احمدی دستگردی، ترکمانان آق قویونلو، تهران، انتشارات باز، 1387، صص 99-98.

<sup>77</sup> ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکر، ص 31.

<sup>78</sup> Jhon E Woods, *The Aqquyunlu: Clan*, s. 42.

<sup>79</sup> M. Halil Yananç, "Akkoyunlular", s. 258.



رسیدن او قدرت گیری آق قویونلوها شتاب بیشتری به خود گرفت، سیاست اتحاد با تیمور را برگزید. لذا او سعی کرد نیروهای همگرای محلی را نیز در این امر با خود همراه کند. قرا عثمان از این اتحاد برای تحکیم موقعیت خویش در اتحادیه و همچنین توسعه قدرت اتحادیه در پیوند با رقبای آن بهره برداری کرد. آنان که در زمان تیمور از قدرت کمتری برخوردار بودند در سایه حمایت از تیمور در لشکرکشی هایش به داخل آناتولی، به ویژه با نقشی که در نبرد آنکارا ایفا کردند، صاحب امارت شده و به نام تیمور در آن ناحیه حکومت کردند. آق قویونلوها با پشتیبانی تیمور بسیاری از سرزمینهای همجوار خویش را تحت تصرف درآوردند، به ویژه آن که در این زمان عثمانیها، قراقویونلوها و مملوکان دستخوش تهاجمات نابود کننده تیمور قرار گرفت.

### فهرست منابع

Aka, İsmail, "Timurlular", Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları, Ankara, 1995.

Baştürk, Sadettin, 'Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri, Bu Seferlere Karşı Koyma Çabaları ve Sonuçları, History Studies, Middle East Special issue, 2010.

Erdem, İlhan, "Ak-koyunlu Devleti'nin Kurucusu Kara Yülük Osman Bey'in Hayatı ve Faaliyetleri", Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Dergisi, Cilt XXXIV, sayı: 1-2, 1990'dan ayırabım, Ankara, 1990.

Erdem, İlhan, Akkoyunlular, Akkoyunlular'ın Tarih Sahnesine Çıkışları ve Kökenleri, Genel Türk Tarihi, 4, Yeni Türkiye yayınları, 2002.

Manz, Beatrice Forbes, The Rise and Rule of Tamerlane, Cambridge: Cambridge University Press, 1989.

Roemer, Hans Robert, The Timurid and Safavid periods, The Cambridge History of Iran, 1986.

Schiltberger, Johann, The Bondage and Travels of Johann schiltberger, in Europe, Asia and Africa, 1396-1427, Edited by Fuat Sezgin and Translated by J. Buchan Telfer, London, 1995.

Sümer, Faruk, Akkoyunlular, Türk Dünyası Araştırmaları, Şubat 1986, sayı: 40.

Uzunçarşılı, İsmail Hakkı, Anadolu Beylikleri ve Akkoyunlu, Kara Koyunlu Devletleri, Türk Tarih Kurumu, Ankara, 1984.

Varlık, M. Çetin, “Akkoyunlular”, Doğuştan günümüze Büyük İslam Tarihi, Çağ yayınları, İstanbul, 1992.

Woods, Jhon E., The Aqquyunlu: Clan, Confederation, Empire (Revised and Expanded Edition), Salt Lake City, The university of Utah Press, 1999.

Yinanç, M. Halil, “Akkoyunlular”, IA, 1987.

Yücel, Yaşar, Timur'un Ortadoğu-Anadolu Seferleri ve Sonuçları (1393-1402), Türk Tarih Kurumu, Ankara, 1989.

ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران، انتشارات آگاه،

.1373

ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکریه ، به تصحیح و اهتمام فاروق سومر و نجاتی لوغال، تهران: افست انتشارات طهوری، 1356.

احمد بن محمد ابن عربشاه: زندگی شگفت-آور تیمور، ترجمه محمد علی نجاتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1386 .

اسماعیل حسن زاده، حکومت قراقویونلو و آق قویونلو در ایران، تهران انتشارات سمت، 1379.

اوزون چارشلی، اسماعیل حقی، از تشکیل حکومت عثمانی تا فتح استانبول، ترجمه وهاب ولی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1380.

تقی الدین احمد بن علی المقریزی، کتاب السلوک لمعرفة دول الملوك، جز ثالث، القسم ثانی(801-783)، سعید عبدالفتاح عاشور، مطبعه دارالکتب، 1970.

جمال الدین ابی المحاسن یوسف بن تغربردی الاتابکی (ابن تغربردی)، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، تحقیق فهیم محمّد شلتوت، الهیئه المصریه التالیف و النشر، 1390/1970.

حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی (حافظ ابرو): زبده التواریخ. با مقدمه و تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1380.

حسین میرجعفری، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، تهران، انتشارات سمت، 1379.

روی گنزالس کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، 1366.

عبدالرزاق سمرقندی، کمال الدین، مطلع سعدین و مجمع بحرین، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1383.

عزیز بن اردشیر استرآبادی، بزم و رزم، استانبول، اوقاف مطبعسی، 1928.

غیاث الدین بن فتح الله الكاتب بغدادی (الغیاثی)، التاریخ الغیاثی، الفصل الخامس من سنه 891-656هـ / 1258-1486م، دارسه و تحقیق طارق نافع الحمدانی، بغداد، مطبع اسعد، 1975.

الغیاثی، التاریخ الغیاثی، ص 373؛ اسماعیل حقی اوزون چارشلی، تاریخ عثمانی، ترجمه وهاب ولی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1380.

فاروق سومر، قرا قویونلوها، ترجمه دکتر وهاب ولی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1369.

محمد حسین امیر اردوش، اوزون حسن آق قویونلو و سیاست های شرقی- غربی، تهران: انتشارات برسات، 1381.

میرخواند، محمد بن خواندشاه: روضه الصفا، به تصحیح جمشید کیانفر، تهران، نشر اساطیر، 1380.

نظام الدین شامی، تاریخ فتوحات تیمور معروف به ظفرنامه، تصحیح فلکس تاور، پراگ 1937 (ج1)، 1956 (ج2)، اضافه شده توسط حافظ ابرو)، ج2.

والتر هینتس، تشکیل دولت ملی در ایران، حکومت آق قویونلو و ظهور دولت صفوی، ترجمه کیکوس جهاننداری، تهران: انتشارات خوارزمی، 1377.

شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه. تصحیح و تحقیق سید سعید میر محمد صادق، دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، 1387.